

گزارش

پاسخ سلیمی‌نمین به محسن هاشمی



● عباس سلیمی‌نمین در مطلبی که برای «شرق» ارسال کرده است، به بخش‌هایی از نامه محسن هاشمی به رئیس جدید سازمان صداوسیما پاسخ داده و در ادامه نیز نام‌های را که سال گذشته برای فرزند ارشد هاشمی‌رفسنجانی ارسال کرده بود، پیوست کرده است. محسن هاشمی چندی قبل نامه‌ای گلایه‌آمیز درباره نحوه بازنامی‌ای چهره مرحوم هاشمی‌رفسنجانی در صداوسیما، به رئیس جدید این سازمان نوشته و گلایه‌هایی مطرح کرده بود. در نوشته سلیمی‌نمین آمده است: «با سلام، رویت نامه گلایه‌آمیزتان به ریاست جدید رسانه ملی برابم تأسف‌برانگیز بود، زیرا اظهارات مرا نمونه‌ای از مصداق توهین و تخریب در دور جدید مدیریت صداوسیما ذکر نموده و نوشته‌اید: «در آغاز مسؤلیت جناب‌عالی نیز در برخی برنامه‌های رسانه ملی این روند تداوم یافته است که به‌طور نمونه می‌توان به برنامه «دست‌خط» شبکه پنجم سما در مورخ ۱۴ آبان اشاره کرد که عبارت‌های توهین‌آمیز و مطالب خلاف واقع به آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی نسبت داده شد». جناب آقای محسن هاشمی!

ای‌گاش فرازهای توهین تلقی‌شده که ضرورت یافته نامه‌ای به ریاست رسانه ملی مرقوم دارید را مشخص می‌ساختید تا افکار عمومی نسبت به میزان سعه صدر خانواده آقای هاشمی و چگونگی مبای‌آداب بودن سخن و قلم بنده به قضاوت بنشیند. قبل از طرح موضوع و فراخواندن اهل نظر به داوری یادآور می‌شوم از سال ۶۰ که نگارش حرفه‌ای را آغاز کردم تاکنون هزاران مکتوب در قالب سرمقاله، یادداشت، مقاله تحقیقی، نقد، منظره قلمی، کتاب و… با امضای بنده ثبت و ضبط شده است، هرگز به نیروهای عدم پاینده به مصالح ملی نیز توهینی روا نداشته‌ام تا چه رسد به مرحوم آقای هاشمی‌رفسنجانی که احترام به او را بر خود فرض می‌دانم. در برنامه مورد اشاره در پاسخ به پرسشی در مورد نحوه کار موبه‌عامتی‌ام، عنوان کرده‌ام در دو دهه مدیریت رسانه همواره به‌دنبال اصلاح بودم؛ به همین دلیل اگر یک ناهنجاری با تذکر خصوصی حل می‌شد، هرگز آن را منتشر نمی‌ساختم، چون این روش متداول نیست می‌بایست مصداقی عرضه می‌داشتم؛ لذا از موردی سخن گفتم که تذکر مکتوبی مفید واقع شده بود. همان‌گونه که کاملاً واقفید در برنامه ضیافت افطار ابوی گرامی برای مدیران رسانه‌ها در سال ۱۳۷۵ تصویر ایشان بالای جایگاه جلوس رئیس‌جمهور نصب شده بود. اینجانب عکس تهیه‌شده توسط عکاس مؤسسه را طی نامه محرمانه‌ای خدمت شما (بعنوان ریاست دفتر) ارسال داشتم. در گفت‌وگوی تلفنی در نهایت با‌اگره پذیرفتید که عکس را بردارید، بنده هم خبر را منتشر نساختم، این روایت حاوی چه توهینی است؟ البته غرض از نقل این خاطره یادآوری این نکته خدمت روزنامه‌نگاران جوان بود که بیشتر هدف خود را اصلاح قرار دهند تا رقابت سیاسی. جناب آقای محسن هاشمی! شما بهتر از هر کسی می‌دانید که چه موضوعاتی را در دوران ریاست‌جمهوری ابوی گرامی‌تان (چه مربوط به لغزش‌های خانواده و چه مربوط به اطرافیان) به‌صورت نامه خصوصی مطرح کردم، حتی سال گذشته در حالی که نامه محرمانه من در مورد تحویل یکی از معاونان رئیس‌جمهوری در سال ۱۳۷۳ در روزنامه‌نگاری‌های هاشمی به بدترین وجه ممکن انکسار یافته بود به‌هیچ‌وجه نتخواستم آن را رسانه‌ای کنم. مرحوم ابوی در ذیل رخدادهای روز ۱۷ آبان این سال مرا از قول آقای میرزاده (معاون اجرایی وقت رئیس‌جمهوری) «کج‌فهم» خوانده بودند، البته با آقای میرزاده تماس گرفتم به‌صراحت چنین توهینی را که به نقل از ایشان آورده شده تکذیب کرد. بنده نوار اظهارات آقای میرزاده را منتشر نساختم، فقط از شما خواستم در چاپ‌های بعدی این توهین را اصلاح کنید. اما اکنون که مرا غیرمنصفانه، تندرو و توهین‌کننده می‌خوانید و خط قرمزی بر تلاش چند دهام که به‌جزاصلاح هدفی نداشتم، می‌کشید، ضمن انتشار نامه سال گذشته به ضمیمه (برای قضاوت اهل نظر) آمادگی خود را برای آنچه نقد مستدل از طریق چندصدایی خوانده‌اید، اعلام می‌دارم؛ به این امید که انتقادهای صادقانه را برتابیم و در مسیر اصلاح گام‌های مؤثرتری برداریم». نامه سال گذشته به آقای محسن هاشمی: جناب آقای محسن هاشمی، مدیر محترم دفتر نشر معارف انقلاب، با سلام، روزنامه‌نگاری ابوی گرامی مربوط به سال ۱۳۷۳ تحت عنوان «صبر و پیروزی» نکته‌ای را در مورد اینجانب در خود دارد که انگیزه نگارش این نامه به شماست، در این اثر ذیل روز ۱۷ آبان این‌گونه می‌خوانیم: «تلفنی با رهبری برای کسب اجازه جابه‌جاکردن ارقام بودجه در سقف مصوب مجلس صحبت کردم. دیشب و امروز هم باران داشتیم. آقای میرزاده (معاون اجرایی رئیس‌جمهور) آمد از کج‌فهمی آقای [عباس] سلیمی رئیس کیهان هوایی کله داشت، آقای [محمد] اشرفی‌اصفهانی آمد، برای مجمع فرهنگی کرمانشاه که به‌کمک من فاز اول آن تکمیل شده است، کمک خواست.

ادامه در صفحه ۹

پول از کجا آزادشده؟

ایران به دلیل تحریم‌های یک‌جانبه ایالات متحده که تقریباً همه‌جانبه با تبعیت همراه شد، پول بلوکه‌شده در دست کشورهای دیگر کم ندارد. بزرگ‌ترین رقم رسمی مربوط به کره‌جنوبی است که چیزی بین هفت تا ۹ میلیارد دلار منابع ایران در اختیارش هست و تا اینچا هم در مقابل درخواست‌ها و مذاکره‌ها برای پس‌دادن آن، حتی در شرایطی که دولت جدید ساکن واشنگتن سهل‌گیرتر هم شده بود، مقاومت کرده است. به‌جز این کشور، ایران لاقفل در چین، ژاپن و عراق هم منابعی مالی دارد؛ البته گفته می‌شود منابعی که در چین هستند، بلوکه به حساب نمی‌آیند و ایران مشغول استفاده از آنها به شیوه‌های ممکن بوده است. با اعلام این خبر، این سؤال پیش می‌آید که این مبلغ که به ادعای رسانه‌ها ۳٫۵ میلیارد دلار است، از کدام کشور به ایران آمده و در واقع از کدام کشور آزاد شده است؟

تا لحظه تنظیم همین گزارش و در واکنش به گمانه‌زنی‌های مطرح‌شده در این باره، دو نفر از مقامات اتاق‌های بازرگانی مشترک ایران موضع گرفته‌اند. یحیی آل‌اسحاق، رئیس اتاق مشترک بازرگانی ایران و عراق گفته است: «آزادسازی ۳٫۵ میلیارد دلاری که از آن صحبت شده مربوط به عراق نیست و احتمالاً مربوط به کره جنوبی باشد». اما حسین تنهایی، رئیس اتاق مشترک بازرگانی ایران و کره جنوبی نیز آزادشدن ۳ میلیارد و ۵۰۰ میلیون دلار پول بلوکه‌شده ایران در کره جنوبی را تکذیب کرده است. تنهایی گفته است، سه و نیم میلیارد دلار پولی که گفته می‌شود آزاد شده از محل دارایی‌هایی ایران در کره جنوبی نبوده است.

چگونه به ایران رسیده‌است؟

سؤال بعدی البته مسیر انتقال این پول به ایران است. بعید به نظر می‌رسد انتقال چنین مبلغ بالایی از مسیرهای غیررسمی، آن‌هم به‌صورت مخفیانه امکان بوده باشد. ایالات متحده بیس از امضای برجام، ۴۰۰ میلیون دلار از اموال مسدودشده ایران را با هواییم‌ا به تهران فرستاد که البته رسمی بود و بسیار هم خبرساز شد. علت ارسال آن مبلغ با هواییم‌ا به‌جای انتقال از مسیرهای معمول بانکی، این بود که در آن زمان، تحریم‌های آمریکا هنوز مسیر بانکی را باز نکرده بود، اما طبعاً خود آمریکا می‌توانست در آن شرایط چنین اقدامی کند. کشورهای دیگر در شرایطی که فعلاً هنوز تحریم‌های دوره دونالد ترامپ در دوره جو بایدن لغو نشده‌اند، بعید است حاضر به انتقال آن از مسیر غیررسمی به این شکل باشند و ریسک لورفتن ماجرا و برخورد واشنگتن را بپذیرند. این مسئله البته به سؤال دیگری در این زمینه مربوط است.

دیپلماسی

بانک مرکزی آزادشدن منابع ارزی تازه برای ایران را تأیید کرد

امتیاز پنهانی واشنگتن به تهران؟

شرق: خبر رسمیت یافت؛ بانک مرکزی ایران «قرارگرفتن منابعی در دسترس بانک مرکزی به تازگی» را

تأیید کرد. مصطفی قمری وفا، مدیر روابط عمومی بانک مرکزی دیروز اعلام کرد: «بانک مرکزی امروز حدود یک میلیارد دلار ارز برای واردات کالاهای اساسی اختصاص داد. روند تأمین ارز تجاری به صورت روان در جریان است و بخشی از این یک میلیارد دلار تخصیص یافته به واردات کالاهای اساسی، از محل منابعی است که به تازگی در دسترس بانک مرکزی قرار گرفته است». از کلام قمری وفا بر می‌آید که «منابعی که به تازگی در دسترس بانک مرکزی قرار گرفته» بیش از یک میلیارد دلار است و این در حالی است که یکی دو روز گذشته برخی رسانه‌ها، به‌خصوص رسانه‌های نزدیک به دولت از آزادسازی ۳٫۵ میلیارد دلار منابع ارزی ایران از «یکی از کشورها» خبر دادند. در نتیجه عملاً صحبت‌های او را می‌توان به عنوان تأیید خبر پیشین رسانه‌ها دانست. تأییدیه بانک مرکزی نشان می‌دهد که به هر حال مبلغی از مبالغی که از ایران در کشورهای دیگر بلوکه‌شده بود آزاد شده و در مسیر بازگشت به خزانه‌کشور برای استفاده قرار گرفته است. این خبر در حوزه اقتصادی البته معنا و مفهوم خود را دارد و آزادشدن بخشی از منابع ایران می‌تواند نتایج مثبت احتمالی خود را بگذارد، چنان‌که در گزارش‌های اقتصادی پیش از این‌سان تأییدیه نیز نتایج این آزادسازی بررسی شده است. اما به لحاظ دیپلماتیک، سؤالاتی درباره مسیر و معنای این آزادسازی مطرح می‌شود که خود ارزش و اهمیت جداگانه‌ای دارند و البته مرور بررسی‌بله به‌بله آن‌ها می‌تواند یک نتیجه‌گیری مهم از وضعیت ایران در صحنه بین‌المللی به دست دهد.

آیا این آزادسازی دوجانبه بوده‌است؟

ابتدایی‌ترین گزینه در زمینه علت و روند آزادی این پول با توجه به سؤالات قبلی، گزینه بعیدی است و آن اینکه طرف مقابل، هرکدام از کشورها که بوده، بعد از مدت‌ها نگه‌داشتن پول به خواست ایالات متحده، ناگهان در این لحظه به‌تنهایی و در توافق با ایران تصمیم گرفته است به خواست قانونی ایران تن دهد و پول‌ها را به ایران بفرستد؛ به‌خصوص که مذاکرات پیش از این حتی وقتی به نظر می‌رسید دولت ایالات متحده فشارها را در این زمینه کم کرده است، به نتیجه نرسیده بود. در نتیجه احتمال بالایی می‌رود که مانند بلوکه‌شدن پول که با درخواست آمریکا بود، آزادسازی آن نیز با درخواست یا اجازه آمریکا بوده باشد. این البته سؤال دیگری را پیش می‌کشد.

چرا محل آزادسازی پول مشخص نیست؟

سؤالی که به نظر بدیهی می‌رسد، این است؛ چرا آزادسازی پول از یک کشور خارجی رسماً اعلام نشده است؟ بحث‌های مربوط به بلوکه‌شدن اموال ایران در کشورهای مختلف چند سالی است تیتز رسانه‌ها شده و موضوع اصلی بحث‌های علنی بین مقامات ایران و آن کشورها، حالا چرا باید آزادسازی چنین مبلغ بالایی بدون هیچ‌گونه اعلام رسمی و بدون گزارش موقیقت مذاکرات یا نتیجه‌بخشی هر مسیر دیگری در این زمینه انجام شود؟ آیا برای مثال اکنون باید بدهی کره‌جنوبی به ایران را ۳٫۵ میلیارد دلار کمتر فرض کنیم؟ البته آنچه واضح است، این است که این مخفیانه‌بودن محل آزادسازی زمان‌دار است و دیر یا زود مشخص خواهد شد چنین مبلغی از این خود باعث گمانه‌زنی مشخصی

ادامه از صفحه اول

دیپلماسی قضائی حقوق بشرگرا

۷- اینکه ایران از نظر وجهه حقوق بشری تخریب می‌شود بخشی به‌خاطر استفاده ابزاری قدرت‌های زورگو و برخورد دوگانه و یک‌بام ود هوای سیاسی است و بخشی ناظر بر بدسلیقگی‌های داخلی است که باید اصلاح کرد. نقد شجاعانه و اصلاح ائربخشن و مصمم لازمه ارتقای ایران از حیث موازین و استانداردهای حقوق‌بشری است. در این حوزه بدون تعارف به آسیب‌شناسی و اصلاح نیاز داریم. شاخص‌هایی باید به مردم و نهادهای مدنی ارائه شود تا مدام ارزیابی و آسیب‌شناسی کنیم و در یک زمان‌بندی به مدل سرازوار ایران نگاه دست باییم. ۸- ما در دو مقوله هنجارسازی و ساختارسازی باید استانداردهای بین‌المللی را مورد دقت قرار دهیم. هنجارها مبتنی بر شناسایی حقوق بشر و شهروندی و سازوکارها معطوف به نقش نظارتی بر اعمال و اجرا، باید در برنامه اقدام ارتقای حقوق بشر ایران مورد توجه قرار گیرد. این دو مقوله مکمل و مقوم، هم‌بند با یکدیگر، زمینه‌ساز و حرم امام رضا می‌نظر محسوب شده بود. به این‌سبب ترتیب می‌توان احتمال داد چنین خبری یک گام و یک پیام از سوی واشنگتن به نفع ایران و برای جلب رضایت تهران باشد.

غبار تحریم

اما واقعیتی دیگر از پس همه این سؤالات آشکار می‌شود که البته دره برای بسیاری از کارشناسان و متخصصان سیاست، اقتصاد، دیپلماسی و حقوق مدت‌هاست مشخص بوده است: تحریم، ابهام‌آور است، در کنار همه ضررها و صدمات کوتاه‌مدت و بلندمدتی که تحریم با خود می‌آورد، یک نتیجه دیگر تحریم‌ها نیز ایجاد فضای غبارآلودی است که در آن چندوچون چنین جابه‌جایی‌هایی نه برای مردم کشورهای دیگر، نه برای طرف‌های ذریک ماجرا مشخص نیست. این نامشخصی در شدیدترین حالت به‌ظهور پدیده‌هایی مثل بابک زنجانی منجر می‌شود که به بهانه دوزدن تحریم، منابع کشور را تصرف می‌کنند.

سال گذشته معاون اقتصادی وزیر خارجه در پاسخ به پرسش «شرق» درباره نگرانی از بازتولید «ب.ز.»‌ها در شرایط تحریمی گفته بود: «طبیعت تحریم، تولیدکننده «ب.ز.»هاست، یکی از ضایعات این سئوال از جنبه‌ای به لجستیک احیای برجام و بازگشت طرف‌ها به مفاد توافق مربوط می‌شود و بخشی از آن نیز البته حیثیتی است. از این لحاظ که طرف ایرانی استقلال می‌کند آمریکا بازی را به هم زده و قطع‌نامه را زیر پا گذاشته و اقدامات ایران در واکنش به اقدامات آمریکا بوده؛ در نتیجه باید اول آمریکا از قدم‌های پیشینش عقب بنشیند تا ایران اقداماتی را که همواره در تیم قبلی سیاست خارجی بر بازگشت‌پذیری آنها تأکید بوده، برگرداند. طرف آمریکایی اما بر اینکه موضوع اصلی توافق برنامه هسته‌ای ایران بوده، بافشاری دارد و می‌گوید ایران باید اول گام‌هایش را برگرداند. به عبارتی این چالش ایجاد شده است که برخی معتقدند کشوری که گام اول را بردارد، تقصیر یا بخشی از تقصیر را عملاً پذیرفته است. راه‌حل این جنبه البته از سوی برخی ناظران نوعی هم‌زمانی اقدامات و روندی شبیه به یک روند گام‌به‌گام بوده است که البته مقامات ایرانی آن را رد کرده‌اند. بااین‌حال، حسین امیرعبداللهیان، وزیر خارجه ایران، چندین بار اشاره کرده است دولت جدید آمریکا برای نشان‌دادن حسن‌نیت و تعهدش به

یک هفته مانده به جلسه شورای حکام آژانس

گروسی بی‌تعارف با ایران



عکس: AFP

نه. امیدوارم که بتوانم. من قبلاً با رئیس‌جمهوری وزیر خارجه سابق در تماس بودم، اما هنوز این فرصت را نداشته‌ایم که زمینه این‌ گفت‌وگوی سیاسی بسیار ضروری با رئیس‌جمهوری جدید را برقرار کنیم، زیرا جسدا از جنبه‌های فنی که به بازرسی‌ها مربوط می‌شود، باید جلب اعتماد صورت گیرد». او کمتر از یک هفته پیش‌تر در روزهای اول آبان نیز در گفت‌وگویی با س‌ان بی‌سی‌نیز اعلام کرد که نتوانسته ارتباط مستقیمی که وی با دولت قبلی داشته را از زمان روی‌کارآمدن سیدابراهیم رئیسی برقرار کند؛ «تابه‌حال با وزیر خارجه جدید گفت‌وگو نکرده‌ام. امیدوارم به‌زودی فرصت دیدار با او را پیدا کنم؛ چراکه این مسئله حائز اهمیت است. اگر مشکل، سوءتفاهم یا اختلاف‌نظری پیش بیاید، می‌توانیم با یکدیگر صحبت کنیم. من قبلاً این گفت‌وگوها را داشتم و تصور می‌کنم که بتوانم شرایط عادی را به دست آورم». وی در پاسخ به این سؤال که آیا با رئیس‌جمهور ایران هم ملاقات خواهد داشت، گفت: البته اگر او لطف کند با من دیدار کند». تأکیدات مکرر رئیس نهاد ناظر هسته‌ای سازمان ملل متحد به‌عنوان چهره‌ای که تاحدی در جایگاه «داوری» برجام نیز نشسته است، این سؤال را ایجاد می‌کند که چرا ایران از برآورده‌کردن این خواست عادی او سر باز می‌زند. اول آذر، ۲۲ نوامبر، نشست

ادامه از صفحه ۲

اقتصاد ایران، اقتصاد جنگ و دفاع

پاسخ به این سؤال که آیا قطع این وابستگی‌ها و داخلی‌شدن آنها شدنی است یا خیر و اگر آری، آیا به‌صرفه است یا نه، صرف‌نظر از اینکه پاسخ تفصیلی در اینجا ممکن نیست اما علم اقتصاد بر مبنای مزیت نسبی و سایر نظریه‌های تکمیلی و اصلاح‌کننده، آن را به‌صرفه نمی‌داند و اگر به‌صرفه نیز شود، به مصلحت نیست، چون تجربه نشان می‌دهد که رشد دانش فنی، صنعتی‌شدن و رفاه مثبت جامعه به عقب می‌افتد و در تعامل با خارج به‌طور پویا پیشرفت می‌کند. دقیقاً مشابه داد و ستدهای علمی میان ملل. اقتصاد جنگی، سرباز و فرمانده فداکار می‌خواهد، نه پولگی؛ وقتی رفقا و فامیل‌ها منتصدی امور شوند، هرچند تقوا در میان باشد، شیطان آرام نمی‌گیرد و با وسوسه‌های پول‌خواری و فسادآور نمی‌شود مبارزه کرد. شرایط زمانی بغرنج می‌شود که ناظران نیز خودی‌باشند! بعد انتظار داریم نکرده است، خود ما در تلاطم بیرونی و درونی آن نیز نقش داریم. در سال ۹۸ به مردم گفتیم که بنزین کم نمی‌شود، اما شد! مردم را به بازار سرمایه دعوت کردیم و وعده دادیم‌اما عکس منافع آنها عمل کردیم.کالاهای سخت و غیرقابل‌تحمل ساخته‌ایم، خط فقر به‌شدت بالا رفته است، با این وضعیت نمی‌شود در جنگ اقتصادی پیروز شد. آیا برآورد شده است که بودجه ۱۴۰۱ چقدر کسری واقعی خواهد داشت؟ بدهی دولت چه مقدار خواهد شد؟ تأمین کسر بودجه چاره‌اندیشی شده و آثار آن بر اوضاع مردم و تولید نختمین زده شده است؟ اگر رقیب بازاری خاصی انجام دهد، تخریب آن اندازه‌گیری تقریبی و روش مهار آن بررسی شده است؟ یک سؤال ساده: تعلیق و تأخیر توافقی به‌اصطلاح برجام بیشتر به زیان کدام سو است؟ محاسبه شده؟ چرا؟ در پایان تأکید می‌شود که سیاست‌گذاری ما باید بر مبنای شرایط عدم اطمینان باشد، در شرایط جنگ، رفتار متخاصم مهم است، همان‌طورکه بعضی دلسوزان گفته‌اند و مقام معظم رهبری نیز یادآور شده‌اند، این وضعیت نمی‌تواند ادامه یابد، اگرچه جنگ گرم نمی‌شود اما تسلیم نیز نمی‌شویم. پس لازم است سردرگم ناشیم تا اقتصاد این نظام با برنامه سامان گیرد و رشد بالنده کند.

● **دکترای اقتصاد و عضو هیئت‌علمی گروه اقتصاد دانشگاه پیام‌نور**

شورای حکام شروع می‌شود و تا پنجم آذر، ۲۶ نوامبر ادامه دارد. سه روز بعد از آن، یعنی هشتم آذر مصادف با ۲۹ نوامبر، ازسرگیری مذاکرات احیای برجام کلید می‌خورد. موضع مدیرکل آژانس در جلسه شورای حکام اهمیت بالایی دارد و هم به‌این‌واسطه و هم مستقیماً، روی مذاکرات احیای برجام در وین نیز تأثیر خواهد داشت. درعین‌حال، ایران جدای از مسائلی که مربوط به وضعیت فعلی برجام است، هم از اعضای اولیه معاهده ان بی‌تی است و هم شرایط پادمانی آژانس را دنبال می‌کند.

در زمینه برجام نیز کاهش تعهدات کام‌به‌گام ایران که در دولت پیشین پیگیری شد، بر مبنای متن صریح برجام بوده است.

ایران‌رو به نظر نمی‌رسد دلیل چندانی برای خودداری ایران از تعامل با مدیرکل آژانس داشته باشد. برخلاف برخی از دیگر رژیم‌های منطقه مانند اسرائیل و عربستان سعودی، ایران درباره برنامه هسته‌ای خود همکاری بسیاری با آژانس داشته است. در چنین شرایطی دعوت از مدیرکل آژانس و دیدار وزیر خارجه یا حتی رئیس‌جمهور ایران با او نه اقدامی برخلاف مسیر ایران‌کته تأکیدی بر رفتار فعلی ایران نسبت به آژانس خواهد بود که هزینه‌ای برای ایران نخواهد داشت اما می‌تواند با برقرارکردن خط ارتباطی که گروسی از قطع آن در دولت جدید گم‌نندگ است، در دو نشست پیش‌رو به کار ایران بیاید.

مسئله رابطه ایران با آژانس فقط فنی نیست و جنبه سیاسی مهمی دارد. سفر مدیرکل پیشین و مرحوم آژانس، یوکیا آمانو به ایران در زمان امضای توافق هسته‌ای نیز گواه این اهمیت سیاسی است. در شرایطی که ایران لاقفل هنوز از برجام اعلام روی‌گردانی نکرده و همچنان برای ازسرگیری مذاکرات احیای این توافق اعلام آمادگی رسمی کرده است، چنین دیداری می‌تواند تأکید دوباره‌ای بر موضوع همیشگی ایران باشد. ازاین‌رو این انتظار به نظر ناپجای نیست که در فاصله باقی‌مانده تا جلسه شورای حکام و مذاکرات احیای برجام، ایران از فرصت استفاده کند و با دعوت گروسی به تهران، از ایجاد بهانه‌ای تازه علیه ایران در این دو نشست جلوگیری کند.